



اینکه آدمی وجود داشته باشد با یک چشم، یا با یک شاخ روی بینی‌اش یا اینکه شبیه فیل باشد یا میمون، در عین ترسناک بودن طنزآمیز هم است.

اما چنین اتفاقی در یک اثر کاریکاتوری اشاره دارد به وجوه ناپیدای سیرت آدمی که در عین طنزآمیز بودن، می‌تواند بسیار ترسناک باشد! با اینکه هدف نهایی یک کاریکاتور بیست چیره‌دست آشکارسازی این وجوه ناپیدا است، اما برخلاف تصور بسیاری از مخاطبان کاریکاتور چهره، بستر اصلی اغراق برای کاریکاتور نیست سیرت و یا رفتارهای درونی یک شخصیت نیست، بلکه دقیقاً چهره و ظاهر اوست. چهره پل ارتباطی کاریکاتور نیست با درونیات صاحب چهره است و اجزا و عوامل تشکیل‌دهنده آن بسترهای اصلی اغراق‌اند.

نحوه قرارگیری اجزای چهره در کنار هم (تناسب)، تعداد آن‌ها (کمیت)، شکل ظاهری شخصیت (کیفیت) و موفقیتی که در آن قرار دارد، همگی وجوه گسترده اغراق را موجب می‌شوند. اغراق به مفهوم کلی به هم ریختن، بزرگ‌نمایی، دیکرنامایی و غیره در همه عواملی که نام برده شد، قابل بررسی است؛ همچنین اغراق در نسبت‌ها، اغراق در کمیت، اغراق در کیفیت، اغراق در موقعیت.

◀ اغراق در نسبت‌ها

اغراق در نسبت‌ها همان دفرمه کردن به معنای به هم ریختن نسبت‌ها و بزرگ و کوچک کردن فواصل میان اجزای ظاهری یک شخصیت است. آنچه این شکل اغراق را موجب می‌شود، حس عدم تعادلی است که کاریکاتور نیست در شخصیت مورد نظرش احساس می‌کند و این کاملاً به حالت متعادل درون ذهن او بستگی دارد. با وجود تشابهات بسیاری که در شکل دفرمه کردن کاریکاتور بیست‌های مختلف از یک سوژه مشترک می‌توان دید، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که ناشی از متفاوت بودن حالت متعادل درون ذهن آن‌هاست.

در تصویر ۱، تشابه و تفاوت میان سه اثر از سه

کاریکاتور بیست برجسته: مولاتیسه، مورشوان و گروگر در

کاریکاتور چهره زار دو پارديو، هنرپیشه فرانسوی، دیده می‌شود. آنچه

واضح است اغراق در نسبت چانه به صورت (فاصله دهان تا زیر چانه)

وجوه گسترده اغراق

The Vast Capacity Of Exaggeration حسین صافی



▲ تصویر ۱

اثر کاریکاتور بیست‌ها به چشم می‌خورد. این نوع اغراق کاهی فقط به قصد ایجاد طنز در سوژه اتفاق می‌افتد و کاریکاتور بیست به این طریق نگاه متفاوت و طنزآمیز خود را نسبت به شخصیت، به مخاطب منتقل می‌کند. (تصویر ۲) گاهی این وجه اغراق شکلی مفهومی و موضوعی پیدا می‌کند و مخاطب را به درک لایه‌های زیرین شخصیتی صاحب اثر (سوژه) فرا می‌خواند. (تصویر ۳)

◀ اغراق در کمیت

به طور معمول، یک شخصیت انسانی یک سر، دو چشم، یک بینی، یک دهان، دو دست و دو پا دارد. حال اگر کاریکاتور بیست برای خلق اثر کاریکاتوری خود در تعداد این اجزا دست ببرد، شکل مرسوم دیگری از اغراق اتفاق می‌افتد که آن را می‌توان اغراق در کمیت نامید. حذف و اضافه کردن اجزای اصلی چهره جرئت و مهارت بسیاری می‌طلبد و کمتر در

تشابه اصلی این سه اثر است و تفاوت آن‌ها را در نوع دفرمه کردن چشم‌های شخصیت می‌توان دید. تشابه مهم‌ترین اصلی است که کاریکاتور بیست باید به آن توجه کند. اگر کاریکاتور چهره‌ای با صاحب آن شباهت نداشته باشد، مخاطب با آن ارتباط برقرار نمی‌کند؛ حتی اگر قدرت و تکنیک بالایی در خلق اثر خرج شود. آنچه تشابه یک اثر کاریکاتوری را تضمین می‌کند، اغراق درست در نسبت‌هاست.

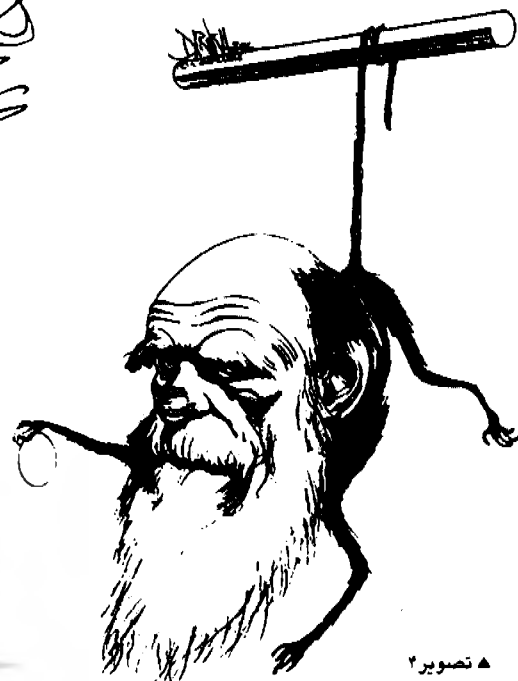
▼ تصویر ۳



◀ تصویر ۲



▲ تصویر ۶



▲ تصویر ۲

◀ اغراق در کیفیت

به دگرگونی صورت ظاهری شخصیت (سوژه) در یک اثر کاریکاتوری و تبدیل کلیت یا جزئی از آن به شی یا اشکال غیرانسانی. اغراق در کیفیت گفته می‌شود. چشم شیشه‌ای، موهای شبیه علف، زبانی شبیه نیش مار، دماغی شبیه کدو و غیره همگی نمونه‌هایی از اغراق در کیفیت‌اند. شاید معروف‌ترین و بهترین نمونه‌های اغراق در کیفیت همان کاریکاتورهای سه مرحله‌ای مولاتیبه و گروهش باشند که شخصیت‌های مشهور سیاسی را در سه مرحله به یک جانور تبدیل می‌کنند. در تصویر ۴، در کاریکاتور چهره داروین اثر داریوش رادپور، نمونه دیگری از اغراق در کیفیت را می‌توان دید. در این تصویر، تنها بدن شخصیت به میمون تبدیل شده که اشاره صریح به نظریه معروف او دارد.

◀ اغراق در موقعیت

تعریف اغراق تنها منحصر به دگرگونی شکل ظاهری شخصیت نمی‌شود، دگرگونی مکانی شخصیت نیز می‌تواند وجهی از اغراق باشد که به آن اغراق در موقعیت گفته می‌شود. تصور حضور سوژه کاریکاتوری در موقعیت و مکانی که غیر معمول به نظر می‌رسد، می‌تواند طنزآمیز و درعین حال تأمل برانگیز باشد. در تصویر ۵، جیم کری (کمدین آمریکایی) در یک موقعیت غیرمعمول، سوار بر ماه و معلق در فضا دیده می‌شود. اغراق در موقعیت مکانی جیم کری یا به طور



▼ تصویر ۵



تلویحی اشاره به حضور او در یکی از فیلم‌هایش دارد و یا هنرمند صاحب اثر خواسته به این شکل توصیفی از شخصیت درونی وی ارائه دهد. اعراف در موقعیت مکانی سوژه برای کاریکاتوریست‌هایی که اصرار دارند کاریکاتورشان موضوع داشته باشد و یا علاقه چندانی به دگرگونی شکل ظاهری سوژه ندارند، بسیار با اهمیت است. هرچه این اعراف طنانانه‌تر بیان شود و با استعاره و کنایه همراه باشد و مستقیم به موضع اشاره نکند، بارزتر است. (تصویر ۶)

علاوه بر شکل‌های دیگری از اعراف را نیز می‌توان با تعمق در خصوصیات ظاهری شخصیت (سوژه) کشف می‌شوند، وجه دیگری از اعراف و دگرگونی وجود دارد که در هنگام خلق اثر کاریکاتوری و در نوع استفاده از عوامل بصری به کار گرفته می‌شود. اعراف در ترکیب‌بندی، سایه‌روشن، بافت و رنگ و حتی اعراف در نوع استفاده از خطوط و سطوح خاص برای توصیف طنزآمیز شخصیت می‌تواند صورت‌هایی از اعراف در عوامل بصری باشد. جنبه‌های بیانی و اکسپرسیونیستی یک اثر کاریکاتوری نشئت گرفته از همین نوع اعراف است.

منحنی‌های اعراف آمیز در تصویر ۷ و ۸ تمایل درونی کاریکاتوریست به خطوط منحنی را نشان می‌دهد و ثانیاً توصیف‌کننده شخصیت سوژه است. در تصویر ۸ اثر کروگر، اعراف در بافت دیده می‌شود و خصوصیات ظاهری و شاید درونی شخصیت (سوژه) با این نوع اعراف آشکار شده است.

تصویر ۹ نمونه خوبی از اعراف در ترکیب‌بندی است. این نوع اعراف در آثار اغلب کاریکاتوریست‌هایی که تمایلات اکسپرسیونیستی شدیدی دارند، به خوبی دیده می‌شود: بیان حالات درونی شخصیت و حتی احساس درونی کاریکاتوریست نسبت به شخصیت با نحوه قرارگیری اعراف آمیز سوژه در کادر محقق می‌شود. به‌طور مثال، مخاطب به خوبی می‌تواند درک کند صاحب چهره‌ایی که تنها نیمی از آن زیر کادر مشخص است، چه جور شخصیتی است. یا شخصیتی که بدنش قسمت بزرگی از صفحه را پوشانده و سرکوچکی دارد، کیست...

